

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.36, No.4

Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

ابلیا گرشویج / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده
الیو برانکافورته / روزچهر مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنک ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۳)
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش:

♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



سخنان حکمت‌آمیز زبان فارسی در سفر به غرب

ترجمه‌های اروپایی گلستان سعدی در سده هفدهم میلادی^۱

الیو برانکافورته^۲

ترجمه روزچهر مصاحب

| ۱۸۹ - ۲۱۲ |

چکیده: این مقاله به بررسی ترجمه‌های قرن هفدهم از کتاب گلستان سعدی، شاعر نامدار ایرانی به زبان‌های اروپایی از جمله نسخه فرانسوی آندره دو ریه، ترجمه لاتین گئورگ گنتیوس و نسخه‌های آلمانی فریدریش آخسنباخ و آدام اولناریوس می‌پردازد. گلستان که مشتمل بر حکایات کوتاه اخلاق‌محور، سخنان حکمت‌آمیز، امثال و مضامین عرفانی است، نقش محوری در معرفی اندیشه ایرانی به مخاطب اروپایی در عصر اولیه مدرن ایفا کرده است و بعدها بر آثاری چون دیوان غربی - شرقی گوته و نامه‌های ایرانی مونته‌سکیو تأثیری ژرف نهاد.

کلیدواژه‌ها: گلستان، سعدی، ترجمه، دو ریه، گنتیوس، اولناریوس.

۱۸۹

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

Wise Sayings of the Persian Language on a Journey West: European Translations of Sa'di's Gulistan in the Seventeenth Century
Elio Brancaforte
Translated by Rouzchehr Mosaheb

Abstract: This article examines seventeenth-century translations of Gulistan by Sa'di, the celebrated Persian poet, into several European languages-including the French version by André du Ryer, the Latin translation by Georg Gentius, and the German versions by Friedrich Ochsenbach and Adam Olearius. Comprising brief moral anecdotes, wise sayings, proverbs, and mystical themes, the Gulistan played a central role in introducing Persian thought to European audiences in the early modern period and later exerted a profound influence on works such as Goethe's West-östlicher Divan and Montesquieu's Persian Letters.

Keywords: Gulistan; Sa'di; translation; du Ryer; Gentius; Olearius.

1. Persian Words of Wisdom Travel to the West, Daphnis, 18 Jul 2017, VOL45, pp 450-472.

۲. الیو برانکافورته (Elio Brancaforte) عضو هیئت علمی گروه مطالعات آلمانی و اسلاوی دانشگاه تولین می باشد. زمینه‌های پژوهشی ایشان ادبیات سفر، ترجمه، تبادلات فرهنگی، نظریه‌های بازنمایی، تاریخ کتاب، نمایش نامه‌نویسی باروک آلمان و تاریخ نگاشت نگاری (کارتوگرافی) است. رابطه میان کلمه و تصویر، مضمون غالب پژوهش‌های اوست. نخستین کتاب او با عنوان تصاویر ایران: ترسیم سفرهای آدام اولناریوس، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۲۰۰۳، بررسی می‌کند که چگونه یک دانشمند باروک آلمانی تصویری از ایران برای مخاطبان اروپایی قرن هفدهم ارائه داده است. او مقالاتی درباره سفرنامه‌نویسان دیگر اروپایی مانند انگلبرت کمپفر و پی‌ترو دلا واله منتشر کرده و فصلی درباره نقشه‌نگاری آلمانی از خلیج فارس در کتاب اطلس تاریخی خلیج فارس (سده‌های شانزدهم تا هجدهم) (انتشارات Brepols، سال ۲۰۰۶) نوشته است. از دیگر اثر وی از ریواس تا یاقوت: سفرنامه‌نویسان اروپایی در ایران صفوی، ۱۷۰۰-۱۵۵۰ و سرزمین‌های صفی: ایران در نقشه‌های اروپای آغاز دوره مدرن، ۱۷۰۰-۱۵۵۰ می باشد.

دانش همواره در حال حرکت است. استیون گرینبلت^۱ می‌نویسد: «در مواجهه با گذشته، کوشش برای ردیابی جنبش‌های ناآرام و اغلب غیرقابل پیش‌بینی متون، ایده‌ها و کل فرهنگ‌ها، هنوز در مراحل نخستین قرار دارد»^۲. او در ادامه به «دو الگوی سنتی قدرتمند برای درک پویایی فرهنگی» اشاره می‌کند: یکی مفهوم *translatio imperii*، یعنی «انتقال قدرت و اقتدار از ایرانیان به یونانیان، از یونان به روم، و سپس از روم امپراتوری به سلسله‌ای از حکومت‌های جاه‌طلب در دولت‌های ملی نوظهور»؛ و دیگری علاقه‌مندی به این‌که چگونه «مسیحیت، وعده‌های کتاب مقدس عبری را تحقق بخشید و در نتیجه تورات را به عهد عتیق تبدیل کرد»^۳.

این علاقه به ایده‌ها و متون دوران باستان کلاسیک و مسیحیت اولیه، به تأسیس نخستین کرسی‌های زبان‌های عبری، عربی و فارسی در دانشگاه‌های اروپایی انجامید^۴. هم‌زمان با این تحولات جهانگردان اروپایی در عصر اولیه مدرن، در سفر به خاورمیانه، امپراتوری عثمانی و صفویه، نسخه‌هایی در حوزه‌های علوم و ریاضیات، تاریخ، ادیان، جغرافیا و ادبیات گردآوری کردند و آنها را برای تحلیل و مطالعه عمیق‌تر به اروپا انتقال دادند.

انتقال ادبیات فارسی به اروپای دوران اولیه مدرن با گلستان سعدی آغاز می‌شود؛ اثری که پس از نخستین انتشار خود به زبان فرانسوی در سال ۱۶۳۴م، با ترجمه‌ها و ویرایش‌های تازه بسیاری همراه شد. از آن زمان تاکنون، این اثر که به عنوان یکی از کلاسیک‌های ادبیات جهان شناخته می‌شود، حدود شصت ترجمه دیگر به زبان‌هایی از بنگالی و رومانیایی گرفته تا ارمنی و ژاپنی را تجربه کرده است^۵.

1. Stephen Greenblatt.

2. Cultural Mobility. An Introduction. In: Cultural Mobility. A Manifesto. Ed. by Stephen Greenblatt et al. Cambridge, New York 2010, pp. 1-23, here p. 7.

تحرك فرهنگي. يك مقدمه. در: تحرك فرهنگي. يك بيانيه. ويراسته استيفان گرینبلت و ديگران، کمبریج، نیویورک، ۲۰۱۰، صفحات ۱-۲۳، صفحه ۷

3. Cultural Mobility. An Introduction. In: Cultural Mobility. A Manifesto, p 7.

۴. برای مثال، دستور زبان عربی اثر گیوم پوستل در سال ۱۵۳۸م در پاریس منتشر شد و دانشگاه لیدن سنت نیرومندی در «مطالعات شرقی» به دست آورد: توماس ارپنیوس (۱۵۸۴-۱۶۲۴) در سال ۱۶۱۳م به عنوان استاد زبان عربی و عبری منصوب شد و در سال ۱۶۲۵م، شاگردش یاکوبوس گولیوس (۱۵۹۶-۱۶۶۷م) جانشین او گردید. شاگردان گولیوس، لوینوس وارنر (درگذشته ۱۶۶۷م) و گئورگ گنتیوس (درگذشته ۱۶۷۸م)، هر دو در انتقال گلستان سعدی به غرب نقش داشتند.

رجوع کنید به:

J. T. P. de Bruijn: Golius, Jacobus. <http://www.iranicaonline.org/articles/golius>. (بازدید: ۱ اکتبر ۲۰۱۶).

5. D. Yohannan: The Poet Sa'di. A Persian Humanist. Lanham, Md. 1987 (= Persian Studies Series 11), p. 12

سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی (مجموعه مطالعات ایرانی، شماره ۱۱)، جان دی. یوهانان، مرلند، لانهم، ۱۹۸۷م، ص ۱۲.

در اینجا می‌خواهم بر سه ترجمه مهم از قرن هفدهم به زبان‌های اروپایی نخست، ترجمه فرانسوی *L'Empire des Roses* توسط اشراف‌زاده فرانسوی، آندره دوریه^۱، در سال ۱۶۳۴م؛ دوم، ترجمه لاتین *Rosarium politicum* اثر گئورگ گنتیوس^۲ در ۱۶۵۱م؛ و سوم، ترجمه آلمانی با عنوان *The Persianischer Rosenthal* به قلم جهانگرد آلمانی، آدام اولتاریوس^۳، در سال ۱۶۵۴م تمرکز کنم.

ابتدا به بررسی شرایط خاص هریک از این ترجمه‌ها خواهم پرداخت؛ سپس به برخی مسائل ناشی از انتخاب‌های مترجمان می‌پردازم و بعد از آن برخی چالش‌های ناشی از انتخاب‌های مترجمان را تحلیل خواهم نمود، که از جمله آنها پایبندی به متن اصلی، دلایل حذف یا افزودن برخی بخش‌ها، و تلاش مترجمان برای بازآفرینی سبک اصلی اثر است. در پایان نیز به طور خلاصه به تأثیر این ترجمه‌ها در دوره اولیه مدرن اشاره خواهم کرد.^۴

اما پیش از آن، شایسته است به وضعیت مطالعات ایرانی در اروپای سده هفدهم بپردازم.^۵ در این میان، جهانگردان اروپایی در فرایند مطالعات ایرانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند؛ چرا که

1. André du Ryer (1580-1660?)

2. Georgius Gentius (1618-1687).

3. Adam Olearius (1603-1671)

۴. کامل‌ترین تحلیل از ترجمه‌های اروپایی گلستان در قرن هفدهم را فرامرز بهزاد ارائه کرده و پژوهش من مدیون کار تطبیقی دقیق بهزاد است. این اثر با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Adam Olearius' 'Persianischer Rosenthal'. Untersuchung zur Übersetzung von Saadis 'Golestan' im ۱۷. Jahrhundert. Göttingen ۱۹۷۰ (= Palaestra ۲۵۸)

باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس. پژوهشی در باب ترجمه گلستان سعدی در قرن هفدهم (پالسترا ۲۵۸). گوتینگن ۱۹۷۰م؛ همچنین نگاه کنید به:

Naime Bishr: Das Persische Rosenthal von Adam Olearius und Sa'dis 'Gulestan'. Eine geistesgeschichtliche Untersuchung. Ph.D. Dissertation. Rutgers University ۱۹۷۴.

۵. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس و گلستان سعدی. پژوهشی در تاریخ اندیشه، نعیمه بشیر، رساله دکتری. دانشگاه راتگرز، ۱۹۷۴. ۵. مراحل آغازین مطالعات ایرانی در اروپا در اثر یوهانان سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی به‌ویژه صفحات ۲ تا ۱۳، شرح داده شده است؛ همچنین در مقدمه کتاب جان دی. یوهانان با عنوان شعر فارسی در انگلستان و آمریکا: تاریخچه‌ای ۲۰۰ ساله) مجموعه مطالعات ایرانی، شماره ۴)، نیویورک، دل مار، ۱۹۷۷م؛ و در کتاب تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات انگلیسی (مجموعه خاورمیانه، شماره ۱۷)، حسن جوادی کالیفرنیا، پیدمونت، ۱۹۸۷م. همچنین نگاه کنید به:

J. T. P. de Bruijn: De Perzische muze in de polder. In: De Perzische muze in de polder. De receptie van Perzische poëzie in de Nederlandse literatuur. Ed. by Marco Goud and Asghar Seyed-Gohrab. Amsterdam ۲۰۰۶, pp. ۱۳-۴۶, especially the section on Sa'di in the Netherlands, pp. ۱۷-۲۲

ی. ت. پ. د بروین: De Perzische muze in de polder، در: De Perzische muze in de polder: بازتاب شعر فارسی در ادبیات هلند، به‌کوشش مارکو گود و اصغر سیدغراب، آمستردام، ۲۰۰۶، صفحات ۱۳-۴۶، به‌ویژه بخش مربوط به سعدی در هلند، صفحات ۱۷-۲۲.

در سفرنامه‌های خود نه تنها به توصیف سرزمین‌های شرقی، بلکه آداب و رسوم و آثار ادبی آنها نیز پرداخته‌اند.^۱

توماس هربرت^۲، سیاح انگلیسی، در توصیف شهر شیراز می‌نویسد:

«اندکی بیرون از شهر، شاعر و فیلسوف دانشمند، مصلح‌الدین سعدی، به خاک سپرده شده است؛ کسی که گلستان را نگاشته است؛ اثری که اخیراً توسط گنتیوس به زبان لاتین ترجمه شده است. نزدیک او نیز، برادر شاعرش خواجه حافظ مدفون است؛ کسی که اشعارش در ایران بسیار ارج گذارده می‌شوند».^۳

آدام اولتاریوس، جهانگرد آلمانی، نیز می‌نویسد: «هیچ ملتی در جهان به اندازه ایرانیان شیفته شعر نیستند»^۴ و هم‌میهنش، انگلیت کمپفر^۵ نیز، از عشق ایرانیان به ادبیات شگفت‌زده شده بود. اما برای ژان شاردن^۶ فرانسوی، چنین می‌نمود که «تجمل، شهوت‌رانی و بی‌بندوباری از یک سو، و مکتب‌گرایی و ادبیات از سوی دیگر، ایرانیان را زن‌صفت و نازپرورده کرده است»^۷. با این حال، این نگاه مانع از آن نشد که او به بررسی و ترجمه گزیده‌هایی از آثار سعدی، از جمله بخش‌هایی از بوستان، گلستان و نصایح‌الملوک نپردازد؛ چنانکه غزل‌هایی از حافظ و پندهایی از لقمان را نیز در بر می‌گیرد.

زبان‌شناسان نیز سهمی بسزا در معرفی آثار فارسی به مخاطبان اروپایی داشته‌اند. در سده هفدهم، نخستین دستور زبان فارسی توسط لودویک دیو^۸ در لیدن ۱۶۳۹م به چاپ

۱. رک: به رودی متی: صفویان از دیدگاه غربی‌ها. سفرنامه‌نویسان اروپایی قرن هفدهم درباره ایران. در: نشریه تاریخ اوایل دوران مدرن، جلد ۱۳ (۲۰۰۹)، صفحات ۱۳۷-۱۷۱؛ همچنین رجوع کنید به متی: ایران صفوی از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی. در: از ریواس تا یاقوت: سفرهای اروپاییان به ایران صفوی (۱۵۵۰-۱۷۰۰) و سرزمین‌های صغی: ایران در نقشه‌های اروپای اوایل دوران مدرن (۱۵۵۰-۱۷۰۰)، دو نمایشگاه گردآوری‌شده توسط البو برانکافورته و سونیا برنتیس. بولتن کتابخانه دانشگاه هاروارد، جلد ۲۳، شماره ۱-۲ (۲۰۱۲)، صفحات ۱۰-۲۴.

مطالعات قدیمی‌تری ولی همچنان ارزشمند در این زمینه عبارتند از: لارنس لاکهارت: روابط اروپاییان با ایران، در: تاریخ کمبریج ایران (۱۹۸۶)، صفحات ۳۰۰-۳۱۰؛ سیبیللا شوستر-والز: ایران صفوی در آینه سفرنامه‌های اروپایی (۱۵۰۲-۱۷۲۲): پژوهشی در سیاست اقتصادی و بازرگانی، بادن-بادن ۱۹۷۰؛ و آلفونس گابریل: کاوش ایران: تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، وین ۱۹۵۲.

2. Thomas Herbert (1606-1682)

۳. سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی، صفحه سیزده. (xiii)

۴. نقل‌شده در جوادی (یادداشت ۶)، صفحه ۳۶.

5. Engelbert Kaempfer (1651-1716)

6. Jean Chardin (1643-1713)

۷. سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی، صفحه چهارده. (xiv)

8. Lodewijk de Dieu

رسید^۱. جان گریوز^۲ اخترشناس و خاورشناس دانشگاه آکسفورد، در اثر خود تحت عنوان عناصر زبان فارسی^۳ که در سال ۱۶۴۹م در لندن منتشر شد، از نمونه‌های متعددی از آثار سعدی استفاده کرده است.

مجموعه‌ی امثال و حکم فارسی که لوینوس وارنر^۴ گردآوری کرد، شامل یکصد پند از سعدی می‌باشد که متن فارسی آن‌ها به همراه ترجمه‌ای لاتین ارائه شده بود^۵. توماس هاید^۶، استاد زبان عربی در آکسفورد و کتابدار کتابخانه‌ی بادلیان^۷، نیز بر روی ترجمه‌های لاتینی از بوستان سعدی، یک دستور زبان فارسی و یک فرهنگ واژگان فارسی کار کرد، هرچند هیچ‌یک از این آثار هرگز منتشر نشده‌اند^۸. این موارد تنها نمونه‌هایی از علائقی است که در میانه‌ی قرن هفدهم نسبت به زبان فارسی ابراز شده است و سرانجام به مطالعه‌ی آثار ادبی فارسی، از جمله گلستان سعدی می‌انجامد.

۱. سعدی و گلستان

ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرّف (حدود ۶۱۲-۶۹۱ق)، متخلص به سعدی، در شیراز پرورش یافت؛ شهری که در آن زمان کانون تصوف بود و برخلاف بسیاری از مناطق ایران، از یورش مغولان در سال ۶۱۶ق در امان ماند. سعدی بخشی از عمر خود را در بغداد گذراند و در مدرسه‌ی نظامیه به تحصیل علوم دینی پرداخت، سپس همچون درویشی سیّار، سفرهای گسترده‌ای را در جهان اسلام از شمال آفریقا و خاورمیانه تا احتمالاً هند و آسیای مرکزی آغاز کرد^۹. سعدی، که در

۱۹۴

آینه‌ی پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

۱. مبانی زبان فارسی، لودویک دو دیو. ضمیمه: دو باب نخست از سفر پیدایش، برگرفته از ترجمه‌ی فارسی یعقوب طاووسی. لیدن، ۱۶۳۹.

2. John Greaves

3. *Elementa linguae Persicae*.

4. Levinus Warner

۵. صد ضرب‌المثل و جمله‌ی قصار فارسی (*Proverbiorum et Sententiarum Persicarum Centuria*)، گردآوری‌شده، ترجمه‌شده و همراه با یادداشت‌هایی از لوینوس وارنر. لیدن، ۱۶۴۴.

6. Thomas Hyde

7. Bodleian

۸. به گفته‌ی یوهانان در کتاب سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی، ص. ۱۵: «هاید عمدتاً به دین باستانی زرتشتی علاقه‌مند بود و توجه اندکی به زبان و ادبیات فارسی معاصر داشت. با این حال، احتمالاً نخستین کسی بود که در انگلستان شعری فارسی را ترجمه کرد. این ترجمه نخستین غزل حافظ بود که به زبان لاتین برگردانده شد... همچنین، [او] نخستین مترجم انگلیسی عمر خیام نیز به شمار می‌رود.»

۹. درباره زندگی و آثار سعدی بنگرید به:

Homa Katouzian: Sa'di. The Poet of Life, Love, and Compassion. Oxford 2006, pp. 9-34

سعدی، شاعر زندگی، عشق و شفقت، همایون کاتوزیان، آکسفورد ۲۰۰۶، صفحات ۹-۳۴؛

(مترجم) این اثر در ایران دوبار تا کنون ترجمه و چاپ شده است که مشخصات آن به قرار زیر است:

سرودن غزل و قصیده تبحر داشت، بیشتر به واسطهٔ دو اثرش بوستان (۶۵۴ق، سروده تماماً منظوم) و گلستان (۶۵۶ق) شهرت یافت. در بوستان، او مبانی نظری جهانبینی اخلاقی خود را ارائه می‌کند^۱، حال آنکه در گلستان می‌کوشد تا خواننده را با شیوهٔ تطبیق این نگرش در زندگی روزمره آشنا سازد. در این میان، نقش بنیادین تصوف در آثار سعدی را نباید نادیده گرفت^۲. دو رکن اصلی تصوف - که در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی به اوج خود رسید - عبارتند از:

سعدی شاعر زندگی، عشق و شفقت، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران، نامک، ۱۷۱ص، ۱۳۹۶.

سعدی شاعر عشق و زندگی، تهران، نشر مرکز، ۳۵۸ص، ۱۳۸۵.

سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی، نگاشتهٔ یوهنانان که پیش از این به آن اشاره شده است؛ و همچنین کتاب

'Nachwort' zu Sa'di, Muslih ad-Din, Der Rosengarten, auf Grund der Übersetzung von Karl Heinrich Graf neu bearbeitet, hrsg. und kommentiert von Dieter Bellmann. München ۱۹۹۸, pp. ۳۴۹-۳۷۰

مؤخره بر کتاب گلستان سعدی، بر پایه‌ی ترجمه کارل هاینریش گراف، ویرایش و تفسیر از دیتیر بلمان. مونیخ، ۱۹۹۸، صفحات ۳۴۹-۳۷۰. در مورد درویشان بنگرید به:

Jürgen Frembgen: Derwische. Gelebter Sufismus, wandernde Mystiker und Asketen im islamischen Orient. Köln ۱۹۹۳

درویشان؛ تصوف زیسته، عارفان سیار و زاهدان در شرق اسلامی، یورگن فرمبگن، کلن، ۱۹۹۳؛

Jürgen Frembgen: Kleidung und A tung islamischer Gottsucher. Ein Beitrag zur materiellen Kultur des Derwischesens. Wiesbaden, ۱۹۹۹

و همچنین: پوشاک و تجهیزات جویندگان خدا در اسلام: سهمی در فرهنگ مادی درویشی. ویسبادن، ۱۹۹۹.

۱. در اروپا، بوستان نخستین بار در سال ۱۶۸۷م به عنوان ضمیمه‌ای بر کتاب سفرهای سِرژان شاردن هم‌زمان به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی منتشر شده است. یک سال بعد، ترجمه کامل هلندی آن منتشر شد و از روی نسخه هلندی، در سال ۱۶۹۶م ترجمه آلمانی آن تهیه گردید.

سعدی شاعر: یک انسان‌گرای ایرانی، ص. ۲. ترجمه‌های اخیر از Daniel Havart هستند:

Den Persiaanschen bogaard, beplant met zeer uitgelezen spruiten der historien en bezaait met zeltzame voorgevallen, leerzame en aardige geschiedenissen, neffens opmerkelijke spreuken/ in't Persiaansch beschreven door Siech Musladie Caaedy, van Cieraas en om zijn treffelijkheids wille in't Nederduits gebragt door D. H. ... Amsterdam 1688

و نسخه آلمانی بی‌نام:

Persianische Baum-Garten/ Mit außerlesenen Propffreisern vieler Geschichte/ Seltsamen Begebenheiten/ Lehrreichen Historien und merkwürdigen Sprüchen bepflanzt: In Persianischer Sprache beschrieben Durch SCHICH MUSLADIE SAADI von Schiras; Und Umb seiner Vortrefflichkeit willen aus der Persianischen in die Niederländische/ und aus derselben in die Hochteutsche Sprache gebracht. Hamburg 1696.

باغ گل ایرانی، کاشته شده با گل‌های برگزیده‌ای از سرگذشت‌های بسیار، رخدادهای شگفت‌انگیز، داستان‌های آموزنده و سخنان پرمغز: به زبان فارسی نوشته شده توسط شیخ مصلح‌الدین سعدی از شیراز؛ و به سبب شایستگی اش از فارسی به هلندی و از آن به آلمانی فصیح برگردانده شده. هامبورگ ۱۶۹۶م.

2. Sufism and Sa'di. In: The Heritage of Sufism. Homa Katouzian. Vol. 2: The Legacy of Medieval Persian Sufism (1150-1500). Ed. by L. Lewisohn and David Morgan. Oxford 1999, pp. 191-201.

تصوف و سعدی، همایون کاتوزیان، میراث تصوف، جلد دوم: میراث تصوف فارسی قرون وسطی (۱۱۵۰-۱۵۰۰)، به کوشش ل. لوئیسون و دیوید مورگان. آکسفورد، ۱۹۹۹، صفحات ۱۹۱-۲۰۱.

۱. پیروی درویش از زندگی ساده به مثابه سرمایه‌ای معنوی؛

۲. تلاش برای کسب حکمت و روشنائی درونی.

بوستان و گلستان، که آمیزه‌ای از تجربه شخصی، نکته‌سنجی‌های طنزآمیز و آموزه‌هایی اخلاقی و پندآموز هستند، جایگاه سعدی را به عنوان یکی از محبوب‌ترین شاعران ادبیات کلاسیک فارسی تثبیت کرده‌اند.

گلستان سعدی - که عمدتاً اثری منشور است و در لابه‌لای آن اشعار کوتاه و کلمات قصار به نظم نیز دیده می‌شود - به هشت باب تقسیم شده و هر باب به موضوعی خاص اختصاص یافته است. درون هر باب، حکایت‌ها و گفتارهایی مرتبط با آن موضوع جای گرفته‌اند. این ابواب عبارتند از:

۱. در سیرت پادشاهان

۲. در اخلاق درویشان

۳. در فضیلت قناعت

۴. در فواید خاموشی

۵. در عشق و جوانی

۶. در ضعف و پیری

۷. در تأثیر تربیت

۸. در آداب صحبت

پس از این مرور اجمالی، اکنون به بررسی ترجمه‌های اروپایی این اثر می‌پردازیم.

۲. آندره دوریه: نخستین مترجم گلستان به زبان اروپایی

آندره دوریه اشراف‌زاده فرانسوی، در خلال مأموریت‌های دیپلماتیک متعدد خود در خاور نزدیک، به یادگیری زبان‌های ترکی، فارسی و عربی پرداخت و با ادبیات این سرزمین‌ها آشنا شد. او که پیش‌تر نیز قرآن را به فرانسه ترجمه کرده بود^۱، در سال ۱۶۳۴م ترجمه فرانسوی گلستان را با عنوان

1. L'ALCORAN DE MAHOMET. Translaté d'Arabe en François, PAR LE SIEUR DU RYER, Sieur de la Garde Malezair. André Du Ryer. Paris, 1649.

قرآن محمد، آندره دوریه، ترجمه‌شده از عربی به فرانسوی، پاریس، ۱۶۴۹.

برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

André du Ryer and Oriental Studies in Seventeenth-Century France. Alastair Hamilton and F. cis Richard.

London, 2004.

آندره دوریه و مطالعات شرق‌شناسی در فرانسه قرن هفدهم، آلاستر همیلتون و فرانسیس ریشار، لندن، ۲۰۰۴.

Gulistan ou l'Empire des Roses Composé par Sa'di, Prince des Poètes Turcs & Persans
[گلستان یا امپراتوری گل‌های سرخ، نوشته سعدی، شاهزاده شاعران ترک و فارسی‌زبان] در پاریس منتشر کرد. (تصویر ۱) او در مقدمه اثر خود می‌نویسد:

«هنگام گشت‌وگذار در کتابخانه‌های پرمز و راز قاهره و استانبول، به کتابی برخوردیم با عنوان گلستان، یا قلمرو گل‌های سرخ. ظرافت پاسخ‌هایش، استحکام کلام، شیرینی شعر و ژرفای حکمت‌هایش مرا مجذوب خود کرد. همین شور و شوق مرا برآن داشت تا پس از بازگشت، ساعاتی از اوقات فراغتم را به ترجمه این اثر و آراستن آن به سبک فرانسوی اختصاص دهم.^۱»

مقایسه متن اصلی گلستان با ترجمه فرانسوی نشان می‌دهد که دوره بخش‌های قابل‌توجهی از اثر را حذف کرده است. در واقع، در نسخه ترجمه شده، بیش از نیمی از حکایات گلستان غایب هستند. فرامرز بهزاد، منتقد ادبی، با طنز اشاره می‌کند که «باغ فرانسوی دوره، بسیاری از گل‌ها و بوته‌های خود را از دست داده است.^۲»

دوره در تقدیم‌نامه خود به آبه هوتمان^۳، دلیل این کاستی‌ها را چنین توضیح می‌دهد:

«از شما التماس می‌کنم، سرور من، که از این غریب حمایت کنید و موافقت نمایید که گلستان تحت نام شما در فرانسه ظاهر شود؛ چرا که این اثر، با وجود کاستی‌های احتمالی، همچون گوهری درخشان از شرق خواهد درخشید. این اثر هیچ سخنی از دین نخواهد داشت که بتواند خواننده‌ای دقیق و محتاط را بیازارد، و هیچ نکته‌ای نیست که شایسته حمایت شما نباشد.^۴»

دوره در ترجمه خود شماری از حکایات را دگرگون می‌سازد و جزئیات و ویژگی‌هایی را که ممکن است برای خواننده فرانسوی هم‌عصرش ناخوشایند باشد، به‌ویژه عناصر مشخص اسلامی را، حذف می‌کند. قطعات منظوم به نثر برگردانده، واژگان تخصصی کنار گذاشته، جملات بازچینی شده‌اند، و هیچ تلاشی برای حفظ سبک اثر اصلی صورت نگرفته است. به بیان دیگر ترجمه فرانسوی، متنی کلی و همگانی را پیش چشم می‌گذارد که از رنگ و بوی بومی خود تهی شده است. دو نمونه از این فرآیند تقلیل‌گرایانه، این موضوع را به خوبی روشن می‌سازد:^۵

1. *Gulistan ou L'Empire des Roses*. Du Ryer, Paris 1634, fol. A2v

- گلستان یا امپراتوری گل‌ها، دوره، پاریس، ۱۶۳۴، برگ A2v

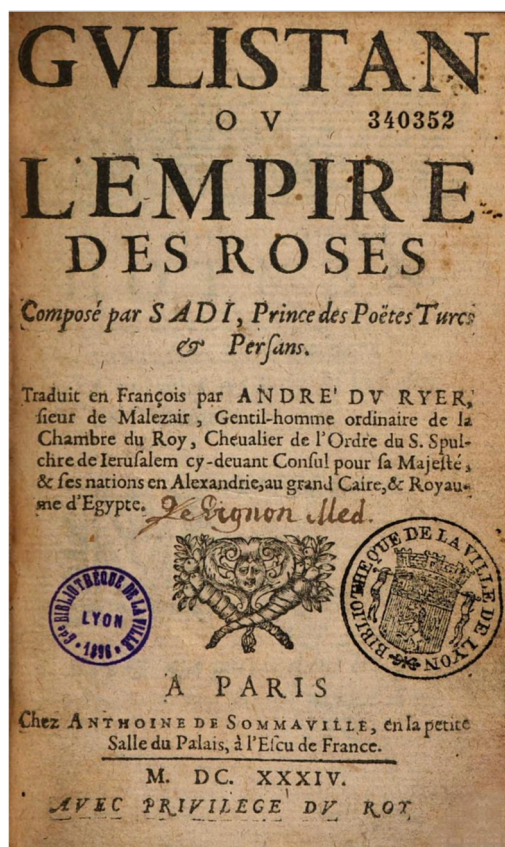
۲. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس. ۲۸.

3. Abbé Hotman

4. *Gulistan ou L'Empire des Roses*, fol. A4V.

- دیباچه در دوره (گلستان، ارجاع شماره 28)، برگه A4v.

۵. نمونه‌ها در: باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، صص ۲۸-۲۹ آمده‌اند.



۱۹۸

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

تصویر ۱. صفحه‌ی عنوان گلستان یا امپراتوری گل‌ها اثر آندره دوریه (پاریس، ۱۶۳۴)

سعدی می‌نویسد: «تایکی از دوستان که در کجاوه انیس من بود و در حجره جلیس، به رسم قدیم از در درآمد»^۱ در حالی که متن دوریه چنین آمده است: «در آن هنگام یکی از دوستان قدیمی‌ام به دیدنم آمد»^۲.

سعدی می‌گوید: «مناره بلند بر دامن کوه الوند پست نماید»^۳ اما دوریه می‌نویسد: «برج‌های ناقوس در پای کوه‌های بلند، بسیار کوچک به نظر می‌رسند»^۴. با این همه، ترجمه دوریه مبنای

۱. کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، چاپخانه بروخیم، ۱۳۲۰، ص ۶

2. Gulistan ou L'Empire des Roses, 11.

-گلستان یا امپراتوری گل‌ها، ۱۱.

۳. کلیات سعدی، ۱۱.

4. Gulistan ou L'Empire des Roses, 16.

-گلستان یا امپراتوری گل‌ها، ۱۶.

نخستین ترجمه به زبان آلمانی یعنی ترجمه فریدریش اُخسنباخ با عنوان گلستان: باغ گل شاهانه (توبینگن، ۱۶۳۶م)^۱ (تصویر ۲) گردید، که بعدها مورد انتقاد آدام اولتاریوس قرار گرفت و بسیاری از مشکلات نسخه دوره را همچنان در خود دارد.



تصویر ۲. تصویر آغازین و صفحه‌ی عنوان نسخه‌ی گلستان، اثر فریدریش اُخسنباخ (توبینگن، ۱۶۳۶)

۳. گئورگ گنتیوس

پانزده سال پس از انتشار باغ گل شاهانه توسط اُخسنباخ سومین ترجمه به زبان لاتین از شرق‌شناس و دانشمند آلمانی، گئورگ گنتیوس منتشر شد. این ترجمه با عنوان ذیل

Musladini Sadi Rosarium politicum, sive Amoenum sortis humanae theatrum de Persico in Latinum versum, necessariisque notis illustratum a Georgio Gentio, Amsterdam, 1651. (تصویر ۳)

1. Gulistan. Das ist/ Königlich Rosen-gart, Friedrich Ochsenbach, Tübingen, 1636.

اقتباسی بسیار وفادارانه از گلستان سعدی بود که متن فارسی را در کنار ترجمه لاتینی آن در بر داشت (تصویر ۴).

گئورگ گنتیوس نخست آموزگار درباری در شلسویگ^۱ بود و سپس خود را وقف مطالعه زبان‌های شرقی در لیدن کرد. او به ترکیه سفر کرد و هفت سال در آنجا ماند، و در این مدت توانست در کتابخانه‌های گوناگون به تحقیق بپردازد و از ایران نیز بازدید کند. وی در سال ۱۵۵۹م به آمستردام بازگشت و در امور دیپلماتیک در ساکسن^۲ و سپس در وین مشارکت داشت. گفته می‌شود که گنتیوس ترجمه‌ای از بوستان با عنوان *Musladini Sa'di Pomarium Politicum* (به فارسی و لاتین همراه با یادداشت‌های بسیار) به صورت نسخه خطی باقی گذاشته، اما نسخه دوزبانه گلستان تنها ترجمه منتشر شده‌ی او از فارسی است. طرح او برای ترجمه آثار سعدی به زبان‌های آلمانی و فرانسوی هرگز تحقق نیافت.^۳

گنتیوس، مطابق با آنچه در دیباچه اثرش ذکر کرده، قصد داشت نه تنها ترجمه‌ای از گلستان ارائه دهد، بلکه «روح راستین» شاعر را نیز منتقل کند؛ از این رو بیش از صد صفحه یادداشت به چاپ خود به گلستان افزوده است. ترجمه گنتیوس نقطه مقابل ترجمه آندره دوریه را تشکیل می‌دهد. «ترجمه‌ای تقریباً تحت‌اللفظی از متن فارسی است که جز در موارد محدودی، مترجم برای وضوح بیشتر، کلماتی به متن افزوده است. یا در جاهایی که دچار سوء برداشت زبانی شده یا اشاره‌های مبهم و ابهام‌های ادبی را به درستی درک نکرده، از اصل منحرف نشده است. او چنان بر ترجمه لفظ به لفظ پایبند است که اغلب افزوده‌های خود را در پرانتز می‌گذارد، همچنین از تلاش برای برگردان موزون اشعار صرف‌نظر می‌کند، هرچند آنها را در شکل نوشتاری به عنوان شعر متمایز می‌سازد^۴».

ترجمه گنتیوس از گلستان نشان دهنده علاقه دوره مدرن اولیه به زبان‌های شرقی است، و متن فارسی-لاتین آن با هدف کمک به خواننده برای یادگیری زبان فارسی طراحی شده بود. مطابق با این گرایش آموزشی، هر سه مترجم مورد بحث - دوریه، گنتیوس و اولتاریوس - در تدوین فرهنگ لغت‌های عربی، فارسی یا ترکی مشارکت داشتند. چاپ دوم ترجمه لاتین گنتیوس در سال

۲۰۰

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

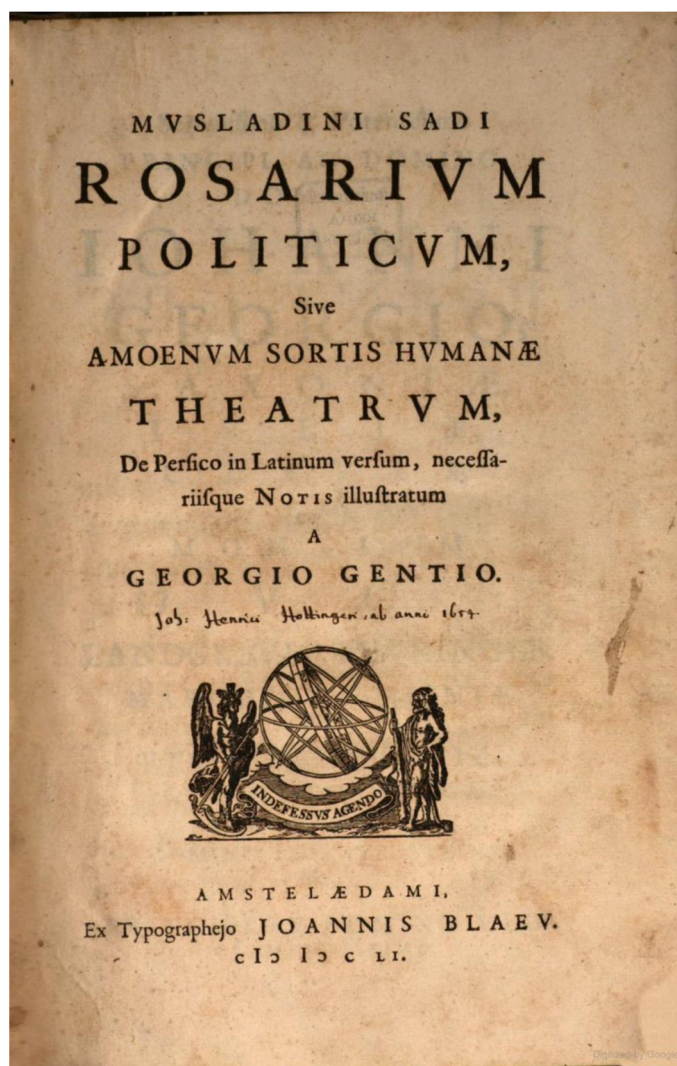
1. Schleswig

2. Saxony

۴. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، صص ۲۷-۲۸.

۴. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، ص ۳۰.

۱۶۵۵م در قطع کوچکتر و بدون متن فارسی منتشر شده است.^۱ در سال ۱۶۵۸م چاپ دیگری (شامل دوازده طرح حکاکی شده) ظاهر شد، و در سال‌های ۱۶۸۰م، ۱۶۸۷م و ۱۶۸۸م نسخه‌های تجدید چاپ شده از چاپ ۱۶۵۸م منتشر می‌گردد.



تصویر ۳. گلستان، به ترجمه‌ی گنتیوس (آمستردام، ۱۶۵۱)

1. Georgius Gentius: ROSARIUM POLITICUM Sive AMOENVM SORTIS HVMANÆ THEATRUM De Persico in Latinum versum [sic] & notis illustratum, a Georgio Gentio, Amsterdam, 1655.



تصویر ۴. صفحات ۳۲۰-۳۲۱ از گلستان مُصلح‌الدین سعدی به ترجمه‌ی گنتیوس (آمستردام، ۱۶۵۱).

۲۰۲

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

۴. آدام اولتاریوس

آدام اولتاریوس به عنوان منشی یک هیئت تجاری در سال ۱۶۳۵م از گوتورف^۱ در شمال آلمان عازم اصفهان شد و مسیر خود را از طریق روسیه طی کرد^۲. در پایان سال ۱۶۳۶م، این هیئت در

1. Gottorf

۲. درباره‌ی اولتاریوس و سفرهای او بنگرید به:

Visions of Persia. Mapping the Travels of Adam Olearius. Elio Brancaforte. Cambridge, Mass., 2003 (= Harvard Studies in Comparative Literature 48), pp. 1-21;

-تصویرهایی از ایران: ترسیم سفرهای آدام اولتاریوس، الیو برانکافورته، کمبریج، ماساچوست، ۲۰۰۳ (= مطالعات تطبیقی ادبیات دانشگاه هاروارد، شماره‌ی ۴۸)، صفحات ۱-۲۱؛

John Emerson: Adam Olearius and the Literature of the Schleswig-Holstein Missions to Russia and Iran, 1633-1639. In: Études safavides. Ed. by Jean Calmard. Paris 1993, pp. 31-56;

-آدام اولتاریوس و ادبیات مأموریت‌های اشلسویگ-هولشتاین به روسیه و ایران، جان امرسون، ۱۶۳۳-۱۶۳۹. مطالعات صفوی، به‌کوشش ژان کالمارد، پاریس، ۱۹۹۳، صفحات ۳۱-۵۶؛

Dieter Lohmeier: Nachwort zu Adam Olearius: Vermehrte Neue Beschreibung der Muscovitischen und Persischen Reyse (۱۶۵۶). Tübingen ۱۹۷۱

مؤخره بر آدام اولتاریوس، شرح نو افزوده‌شده از سفرنامه روسیه و ایران (۱۶۵۶)، دیتر لوهمایر، توبینگن، ۱۹۷۱؛

شماخی^۱ توقف داشتند و مجبور شدند سه ماه منتظر اجازه شاه برای ادامه سفر به پایتخت بمانند. اولتاریوس از این فرصت استفاده کرد و با کمک یک ملا، یادگیری زبان‌های عربی و فارسی را آغاز نمود.

در همین مکان بود که او برای نخستین بار با آثار سعدی آشنا شد و نسخه‌ای از گلستان را به دست آورد. در سال ۱۶۳۹م، هیئت به گوتورف بازگشت و سپس میزبان یک هیئت ایرانی شد. شش عضو از این هیئت ایرانی در گوتورف ماندند، از جمله منشی آن‌ها حق‌وردی که مردی ۵۵ ساله، اهل علم و مسلط به زبان عربی بود. او نهایتاً به مدت پنج سال در خانه اولتاریوس اقامت گزید و به مسیحیت (لوترانیسم) گروید. اولتاریوس در سال ۱۶۴۷م اولین ویرایش از سفرنامه بسیار موفق خود را منتشر کرد^۲ و در سال ۱۶۵۶م ویرایش دوم و گسترش یافته‌ای از آن را به چاپ رساند^۳ او همچنین روی ترجمه لاتین گلستان کار می‌کرد که هیچگاه منتشر نگردید و اکنون از بین رفته است.

آدام اولتاریوس ترجمه آلمانی خود از گلستان با عنوان باغ گل ایرانی^۴ را در سال ۱۶۵۴م منتشر کرد که حاوی تصاویر متعددی است^۵. نسخه دوم این کتاب، با قالبی کوچکتر در سال ۱۶۶۰م و نسخه

Detlef H land: Vorwort zu Adam Olearius: Moskowitzische und persische Reise. Die holsteinische Gesandtschaft beim Schah, 1633-1639. Hrsg. von Detlef Haberland. Stuttgart 1986

-مقدمه بر آدام اولتاریوس: سفرنامه روسیه و ایران. فرستادگان هولشتاین در دربار شاه، دیتلف هابِرلاند، ۱۶۳۹-۱۶۳۳. اشتوتگارت، ۱۹۸۶؛

Claus Peter Haase: Das Safawidenreich zur Zeit der Gottorfer Gesandtschaft. In: Gottorf im Glanz des Barock: Kunst und Kultur am Schleswiger Hof, 1544-1713. Hrsg. von Heinz Spielmann und Jan Drees. Schleswig 1997, pp. 117-121.

-شاهنشاهی صفوی در زمان فرستادگان گوتورف، کلاوس پیتر هاز. گوتورف در درخشش باروک: هنر و فرهنگ در دربار اشلسویگ، ۱۷۱۳-۱۵۴۴. به کوشش هاینس اشپیل‌مان و یان دریس، اشلسویگ، ۱۹۹۷، صفحات ۱۱۷-۱۲۱.

1. Shemakha

۲. شرحی جامع از سفر تازه به شرق که به واسطه‌ی یک هیئت دیپلماتیک هولشتاینی به دربار شاه ایران صورت گرفت. که در آن، مکان‌ها و کشورهایی که این سفر از میان آن‌ها گذشته است - به‌ویژه روسیه، تاتارستان و ایران - همراه با طبیعت، زندگی و ویژگی‌های مردمانشان با دقت توصیف شده و با نگاره‌های فراوانی که از روی طبیعت ترسیم شده‌اند، مزین گردیده است. این سفرنامه با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Offt beehrte Beschreibung Der Newen Orientalischen Reise, So durch Gelegenheit einer Holsteinischen Legation an den König in Persien geschehen, Adam Olearius, Schleswig, 1647.

۳. شرح نو و افزوده شده از سفر روسیه و ایران که به واسطه یک هیئت دیپلماتیک هولشتاینی به تزار روسیه و شاه ایران انجام شده است ... این اثر برای بار دوم با مشخصات زیر منتشر می‌شود:

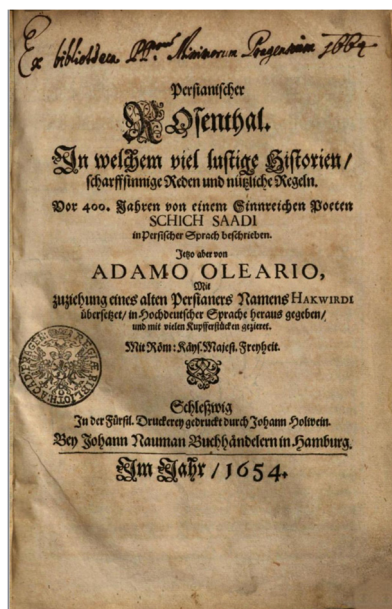
Vermehrte Neue Beschreibung Der Muscowitischen vnd Persischen Reyse, So durch gelegenheit einer Holsteinischen Gesandtschaft an den Russischen Zaar vnd König in Persien geschehen, Adam Olearius, Schleswig 1656.

4. Persianischer Rosenthal.

۵. باغ گل ایرانی، که در آن حکایات دل‌انگیز فراوان، سخنان تزیینانه و قواعد سودمند آمده است، که حدود ۴۰۰ سال پیش توسط

سوم آن در سال ۱۶۹۶م پس از مرگ اولتاریوس منتشر شد، که اساساً از نسخه‌ی اول پیروی می‌کرد. ترجمه‌ی اولتاریوس همچنین توسط ی. ف. دویسبرگ^۱ به عنوان الگو برای نخستین ترجمه‌ی هلندی گلستان با نام *Perssiansche Roosengaard* (آمستردام ۱۶۵۴) مورد استفاده قرار گرفته است.^۲

در صفحه‌ی عنوان و مقدمه‌ی کتاب، اولتاریوس از دوست ایرانی خود حق‌وردی قدردانی می‌کند و یادآور می‌شود که وجود یک فارسی‌زبان تحصیلکرده کمک بزرگی برای ترجمه و تفسیر اثر سعدی بوده است.^۳ او در مقدمه به ترجمه‌های آندره دوریه و فریدریش اوخسنباخ از توپینگن اشاره کرده و آنها را ناقص و پر از اشتباه می‌داند، معتقد است این مترجمان بخش‌هایی از متن اصلی را به درستی درک نکرده‌اند.^۴



تصویر ۵. تصویر آغازین و صفحه‌ی عنوان باغ گل ایرانی اثر آدام اولتاریوس (شلیسویگ، ۱۶۵۴)

۲۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

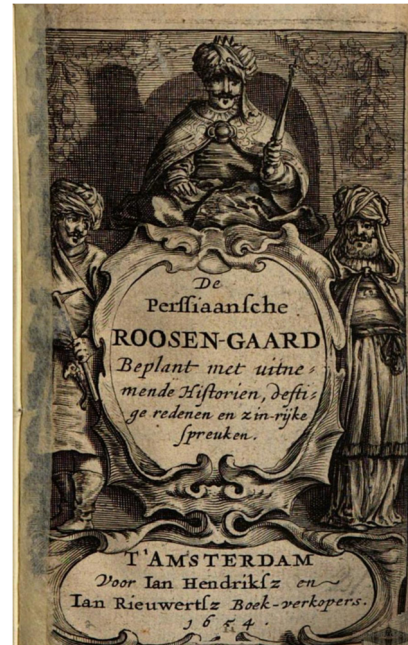
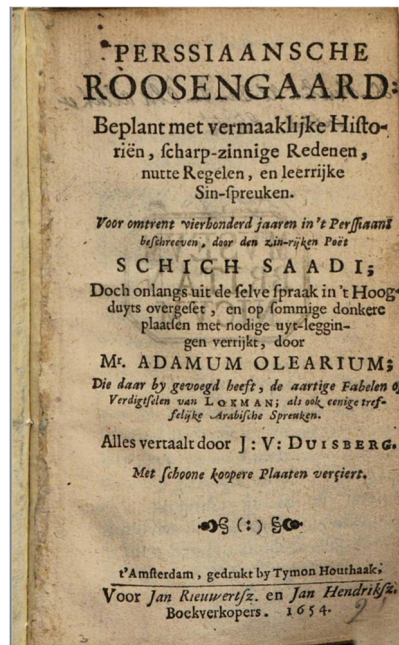
شاعر فرزانه، شیخ سعدی، به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. اکنون اما با همکاری یک ایرانی سالخورده به نام حق‌وردی، به دست آدام اولتاریوس به زبان آلمانی برگردانده، منتشر و با نگاره‌های مسکوب شده فراوان مزین شده است ... اشلسویگ، ۱۶۵۴.

1. J. V. Duisberg

2 "Beplant met vermaaklijke Historiën, scharp-zinnige Redenen, nutte Regelen, en leerrijke Sin-spreuken. Voor omtrent vierhonderd jaaren in't Perssians beschreeven, door den zin-ryken Poët SCHICH SAADI; Doch onlangs uit de selve spraak in't Hoogduyts overgeset, en op sommige donkere plaatsen met nodige uyt-leggingen verrijkt, door Mr. ADAMUM OLEARIUM ... daar by ... Fabelen of Verdigtselen van Lokman ... Met schoone koopere Plaatzen verciert", J. V. Duisberg, Amsterdam, 1654.

۳. برای تفسیر تصویر روی جلد نسخه باغ گل ایرانی نگاه کنید به: تصویرهایی از ایران: ترسیم سفرهای آدام اولتاریوس، صص ۷۸-۱۰۲.

4. Persianischer Rosenthal, Fol. B3r.



تصویر ۶. صفحه آغازین و صفحه عنوان باغ گل ایرانی اثری. ف. دویسیخ (آستردام، ۱۶۵۴)

۲۰۵

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

اولثاریوس همچنین از نسخه لاتین دوست خویش گنتیوس برای مقایسه استفاده کرده است. او در مقدمه به محبوبیت آثار سعدی در ایران اشاره می‌کند و با وجود اینکه سعدی را یک مسلمان شیعه می‌داند، توانایی او در بیان مفاهیم الهی و معنوی را تحسین می‌کند و معتقد است گاه در این زمینه از بسیاری مسیحیان هم پیشی گرفته است. او همچنین خاطرنشان می‌سازد که داستان‌های سعدی ممکن است همگی واقعی نباشند، اما ارزش ادبی و اخلاقی آنها انکارناپذیر است. اولثاریوس می‌گوید:

«او همچون هم‌میهنانش پرورش یافته در دین اسلام است... و گاه درباره خدا و آفریده‌های او سخن می‌گوید، و این که انسان باید چگونه در برابر او رفتار کند، به شیوه خودش، همان گونه که یک مسیحی نیز می‌تواند چنین کند؛ بلی، او با اندیشه‌های معنوی اش، بارها برخی از مسیحیان را شرم‌نده می‌سازد، چنان که در آغاز مقدمه‌اش دیده می‌شود... در خصوص درستی داستان‌هایی که سعدی باز می‌گوید، ممکن است که همه آن‌ها به همان گونه‌ای که او نقل کرده، روی نداده باشند^۱».

1. Persianischer Rosenthal, B IV.

اولثاریوس در دوران فعالیت «انجمن‌های زبانی» می‌زیست - نهادهایی که با الهام از آکادمی‌های زبانی رنسانس ایتالیا، مسئول پرورش و توسعه زبان آلمانی بودند. او در مقدمه اشاره می‌کند که رئیس یکی از این انجمن‌ها از او خواسته بود گلستان را نه به لاتین، که به زبان آلمانی ترجمه کند. این درخواست با انگیزه‌های ملی‌گرایانه همراه بود، چنانکه اولثاریوس از «زبان مادری آلمانی ما که همچون گوهری از زیر غبار تحقیر دوباره می‌درخشد» سخن می‌گوید.^۱

وی در توصیف اثر خود چنین می‌نویسد: «من این ایرانی [کتاب گلستان] را با ردایی آلمانی به میان شما آورده‌ام^۲». اگرچه ترجمه اولثاریوس از گلستان نسبتاً دقیق و وفادار به متن اصلی است، اما او دو فصل به کتاب افزوده و از اصطلاحاتی استفاده کرده که برای مخاطب آلمانی زبان بومی‌سازی شده بودند. این رویکرد، تعادلی هوشمندانه میان امانتداری به متن اصلی و انطباق با ذائقه فرهنگی خوانندگان اروپایی ایجاد می‌کند.

چشمگیرترین نکته در این بازنویسی در ابتدا این است که اولثاریوس بیت پایانی داستان را به صورت منظوم ترجمه کرده است. اما او در این شیوه پایبند نمی‌ماند. نزدیک به دو سوم اشعار اصلی را به صورت نثر بازمی‌گرداند. این ناسازگاری اما از دید خواننده اثر پنهان می‌ماند، چرا که او نه از شکل چاپی و نه از مقدمه نمی‌تواند دریابد که کجا اشعار اصلی به نثر ترجمه شده‌اند.^۳

در حالی که گنتیوس ترجمه‌ای واژه‌به‌واژه از متن اصلی ارائه می‌دهد، اولثاریوس این چنین سخت‌گیر نیست و گاه ساختار جمله را تغییر می‌دهد و توضیحاتی می‌افزاید، آن هم زمانی که فکر می‌کند این کار به فهم بهتر متن برای خواننده کمک می‌کند. برای مثال، هنگامی که سخن از علم به میان می‌آید، اولثاریوس یادداشت‌های فراوانی اضافه می‌کند و به ارسطو، پلینیوس و

1. Persianischer Rosenthal, B IV.

باغ گل ایرانی، برگ BIV

2. Persianischer Rosenthal, fol. B2V.

باغ گل ایرانی، برگ B2v

در مورد پذیرش سعدی در آلمان، بنگرید به:

Der deutsche Persien-Diskurs. Zur Verwissenschaftlichung und Literarisierung des Persien-Bildes im deutschen Schrifttum von der frühen Neuzeit bis in das neunzehnte Jahrhundert, Hamid Tafazoli, Bielefeld: Aisthesis, 2007.

گفتمان ایرانی در آلمان. درباره‌ی علمی شدن و ادبی شدن تصویر ایران در نوشتار آلمانی، حمید تفضلی، بیله‌فلد ۲۰۰۷، به ویژه صفحات ۲۸۴-۳۰۶

3. Adam Olearius' 'Persianischer Rosenthal, p31.

باغ گل ایرانی آدام اولثاریوس (بهزاد)، ۳۱.

سایر اندیشمندان اشاره می‌کند (مثلاً: آیا مورچه‌های بالدار هم وجود دارند؟^۱ آیا بیچه کژدمها باید شکم مادر را سوراخ کنند تا وارد دنیا شوند؟^۲).

۵. مقایسه‌ای میان ترجمه‌های مختلف

تفاوت‌هایی که میان دو ریه، گنتیوس و اولتاریوس در برخورد با گلستان و موضوعاتی که در ترجمه‌های خود حذف یا تغییر داده‌اند دیده می‌شود، عمدتاً به دین یا مسائل جنسی مربوط می‌شود. به عنوان مثال، در باب دوم که به زندگی درویشان می‌پردازد، دو ریه با توجه به حساسیت‌های موجود در موضوعات اسلامی، سی مورد از چهل‌ودو حکایت را به کلی حذف می‌کند. دو مترجم دیگر ادعا می‌کنند که قصدشان ارائه ترجمه‌ای دقیق است و بنابراین اصطلاحات دشوار را حفظ می‌کنند. با این حال، در یک مورد تفاوت دارند:

«گنتیوس با ترجمه دوزبانه‌ای که منتشر کرده، آشکارا مخاطبی کاملاً فرهیخته را مد نظر دارد. از این رو، توضیحات دقیق و دانشورانه‌اش هیچ‌گونه اظهارنظر تحقیرآمیزی در بر ندارد. در مقابل، اولتاریوس مخاطبی گسترده‌تر را در نظر دارد و بنابراین بارها ناچار به دفاعیه از شاعر «کافر» می‌شود و علاقه‌ای ندارد که متن را در همه جا دقیق بازگو یا تفسیر کند.^۳»

اولتاریوس نیز نه حکایت از باب دوم را که درباره عشق صوفیانه به خدا و وحدت عرفانی است، حذف می‌کند. او عمدتاً به مطالب جالب توجه و کنجکاوی برانگیز علاقه‌مند است و بنابراین ترجمه‌اش همان ژرفای فکری را ندارد که در نسخه گنتیوس دیده می‌شود. باب پنجم گلستان سعدی که درباره عشق و جوانی است نیز برای هر سه مترجم چالش برانگیز بوده است. در گلستان، برخی حکایت‌ها از عشق یا علاقه بین یک مرد و پسر جوان سخن می‌گویند. به عبارت دیگر، با بهره‌گیری از اصطلاحات صوفیانه، این داستان‌ها دارای موضوع هم‌جنس‌گرایانه‌اند که می‌تواند نمادین، شوخ طبعانه، اخلاق‌گرایانه یا تعلیمی باشد. این موضوع همچنین می‌تواند به صورت استعاری به کار رود تا عشق صوفیانه به خدا را بیان کند.^۴

۱. یادداشت مترجم: منظور این است که آیا چیزهای پیش پا افتاده ظرفیت تعالی یا رهایی دارند؟

۲. یادداشت مترجم: آیا بقا مستلزم خیانت به چیزی است که ما را پرورانده؟

۳. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، ۳۱.

۴. در این زمینه بنگرید به:

دوریه تنها پنج حکایت (از بیست و یک حکایت) را در فصل درباره عشق خود گنجانده است. از میان این پنج حکایت، دو حکایت به عشق ارباب به خدمتکارش و باقی به عشق زن می‌پردازد. در یکی از آن‌ها، دوریه واژه دوست را با «maistresse» (محبوبه/عاشق زن) جایگزین می‌کند.^۱

اولئاریوس نیز همین دغدغه را دارد. او در مقدمه ترجمه‌اش می‌نویسد که واژه جوان را با دختر، معشوق، شخص یا انسان جایگزین کرده تا تا موجب رنجش خوانندگان جوان نشود. او در ادامه می‌نویسد:

«علاوه بر این، چنین موضوعاتی برای آلمانی‌ها که با این مسائل بیگانه‌اند، ناخوشایندتر از ایرانیان به گوش می‌رسد.^۲»

در نهایت، او چنین نتیجه می‌گیرد که شاید دلیل این شکل از عشق، پنهان بودن زنان نجیب ایرانی از دید مردان باشد.

چنان‌که بهزاد اشاره می‌کند، در نسخه گنتیوس، اصطلاحات فارسی - بسته به سیاق - با واژه‌هایی چون *delicious* (محبوب/عاشق)، *amicus* (دوست)، *amatus* (محبوب)، *formosus* (زیبارو)، *pulchellus* (زیبای کوچک) و غیره ترجمه شده‌اند.^۳ با این حال، گنتیوس به طرز شگفت‌انگیزی در میان صد صفحه هیچ تفسیری درباره موضوع حساس عشق صوفیانه به جوانان ارائه نمی‌دهد.

جنبه دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله انتقال سبک سعدی است که آمیزه‌ای از نثر و نظم است. شیوه متنوع در درج اشعار در متن نثر و نثری که اغلب به آهنگ و موسیقی شعر

مردان، زنان و پسران: عشق و جنسیت در آثار سعدی، مینو س. ساوت‌گیت، مطالعات ایرانی، جلد ۱۷ (۱۹۸۴)، صفحات ۴۱۳-۴۵۲؛

Love-related Conventions in Sa'di's Ghazals. Ehsan Yarshater. In: Studies in Honour of Clifford E. Bosworth. Vol. ۲: The Sultan's Turret. Studies in Persian and Turkish Culture. Leiden, Boston ۲۰۰۰, pp.

۴۲۰-۴۳۸

“قراردادهای مربوط به عشق در غزلیات سعدی”، احسان یارشاطر، مجموعه مقالات در بزرگداشت کلیفورد ای. بوزورث، جلد دوم: برج سلطانی: مطالعاتی در فرهنگ فارسی و ترکی، لیدن و بوستون، ۲۰۰۰، صفحات ۴۲۰-۴۳۸؛

Le beau garçon sans merci’. The Homoerotic Tale in Arabic and Persian. Paul Sprachman. In: Homoeroticism in Classical Arabic Literature. Ed. by J. W. Wright and Everett K. Rowson. New York 1997, pp. 192-209

جوان زیبای بی رحم: داستان هم‌جنس‌خواهانه در ادبیات عربی و فارسی، و پل اسپراخمن، هم‌جنس‌گرایی در ادبیات کلاسیک عربی، به‌کوشش ج. و. رایت و اورت ک. رووسن، نیویورک ۱۹۹۷، صفحات ۱۹۲-۲۰۹.

۱. باغ گل ایرانی آدام اولئاریوس، ۹۵.

2. Persianischer Rosenthal, B 3V.

۳. باغ گل ایرانی آدام اولئاریوس، ۹۸.

نزدیک می‌شود، اساس آن شاهد فصاحت را می‌سازد که سعدی در کلام پایانی‌اش از آن سخن می‌گوید؛ یعنی لذتی زیباشناختی که گلستان را فراتر از سطح یک کتاب اخلاقی و تعلیمی معمولی قرار می‌دهد و آن را به اثری هنری بدل می‌سازد.^۱

دوره در پیش‌گفتار خود بابت ناتوانی‌اش در بازآفرینی سبک سعدی پوزش می‌طلبد و تأکید می‌کند که در تلاش بوده است تا معنای پایه‌ای شاعر ایرانی را منتقل کند. گنتیوس به‌طور گذرا به ویژگی خاص سبک سعدی اشاره می‌کند و صفحه‌آرایی نسخه‌اش به‌روشنی نشان می‌دهد کدام بخش‌ها نظم هستند. اولتاریوس، برخلاف آن دو مترجم دیگر، به‌صراحت درباره «لطافت و ظرافت» زبان سعدی سخن می‌گوید^۲ و سعی دارد با ترجمه حدود سی درصد از اشعار به‌صورت موزون، حسی از متن اصلی را منتقل کند.

او سعدی را نه تنها به دلیل محتوای آثارش، بلکه به خاطر کاربرد حکمت‌آمیز و بیان لطیفش با گزنفون - که از او به‌عنوان «استاد نثر آتنی»^۳ یاد می‌شود - مقایسه می‌کند.^۴ اولتاریوس زمانی که در متن بازی زبانی وجود دارد، آن را توضیح می‌دهد. به‌عنوان نمونه، در یکی از ابیات سعدی آمده است: «بنی آدم سرشت از خاک دارد/ اگر خاکی نباشد، آدمی نیست»^۵. در این جا بین واژه‌های «خاک» و «خاکی» بازی زبانی وجود دارد.

اولتاریوس این بیت را چنین ترجمه می‌کند:

Der Mensch ist auß niedrige Erde gemachet / wer sich nun nicht niedrig und demühtig hält / ist kein Mensch.

او توضیح می‌دهد که این بازی زبانی در فارسی و لاتینی خوش‌آهنگ‌تر است تا در آلمانی، و بیت را همچنین به لاتین ترجمه می‌کند و بین واژه‌های homo (انسان) و humus (خاک) بازی زبانی برقرار می‌سازد:

Homo ex humo constat / Si humanitatem non habet, homo non est^۶.

۱. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، ۳۴.

2. Persianischer Rosenthal, B 2R.؛ See also: Adam Olearius' 'Persianischer Rosenthal, p. ۳۵

باغ گل ایرانی، برگه B2r: همچنین بنگرید به: باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، ۳۵.

3. Apem et musam Atticam

4. Persianischer Rosenthal, B 2R

باغ گل ایرانی، برگ B2r

۵. کلیات سعدی، ۸۳.

۶. باغ گل ایرانی آدام اولتاریوس، ۳۶؛ باغ گل ایرانی، ۶۷.

۶. پذیرش ترجمه‌های گلستان

گلستان در اروپای قرن هفدهم در دوران اولیه مدرن با استقبال خوبی مواجه می‌گردد، که بخشی از این محبوبیت مرهون رواج ادبیات تعلیمی در آن دوره است. ژانر حکمت‌آمیز یا apophthegma (سخنان نغز و پندآموز) به‌ویژه به‌عنوان ابزاری مفید برای آموزش درس‌های اخلاقی و ارائه پند و اندرز تلقی می‌شد. همانند نمادها، لازم بود که این نوع جملات نغز، هوشمندانه و تیز باشند تا در ذهن بمانند و مؤثر واقع شوند.^۱

برخی از انواع این سخنان حکمت‌آمیز که در ادبیات آن روزگار رایج بودند، به توصیه‌های عملی برای افراد - به‌ویژه طبقه بورژوا - می‌پرداختند که خواهان پیشرفت اجتماعی و یادگیری آداب رفتار در دربار بودند.^۲ گلستان به‌عنوان منبعی غنی از «حکمت شرقی» شناخته می‌شد و امثال و حکم آن در مجموعه‌هایی از این نوع جملات گردآوری می‌شدند. ژانر این گونه کتاب‌های خودیاری محدود به حوزه‌های آلمانی‌زبان نبود، بلکه بخشی از یک سنت سراسر اروپایی محسوب می‌شد.

بلافاصله پس از انتشار ترجمه‌ها، می‌توان گزین‌گویی‌هایی از گلستان را در مجموعه‌های گفتاوردهای مفید یافت که اغلب در قالب کتابچه‌های جیبی منتشر می‌شدند. همان‌گونه که اولتاریوس در بخش تقدیم نامه اثر اشاره می‌کند:

«از این رو در گردهمایی‌ها، مهمانی‌ها، معاملات و معاشرت‌ها، چه در میان اشخاص بلندپایه و اشراف و چه نزد مردمان عادی و پیشه‌وران، یکی پس از دیگری، ابیات، جملات نغز و سخنان حکمت‌آمیز از گلستان شنیده می‌شود. زیرا این کتاب حاوی حکایاتی سرگرم‌کننده همراه با قواعد و پندهای بسیار سودمند است، که شایسته آن است هم پادشاهان و هم زیردستان، هم بزرگان و هم مردم عادی آن را بخوانند و به آن عمل کنند».^۳

برخی نمونه‌ها از فهرست کتاب که نشان از علاقه‌مندی به امثال و حکم دارد، چنین‌اند:

«به دشمنان و دوستان چاپلوس نمی‌توان اعتماد کرد»

۱. رک. برای نمونه: هنر آپوفته‌گماتیکا، یعنی: سرچشمه‌های هنری گفتاوردهای آموزنده و گفت‌وگوهای دل‌انگیز درباری؛ چگونه آن‌ها را با تأمل جست، با لذت یافتن، به‌درستی به کار بردن و به‌شیوه‌ای شایسته پاسخ دادن، در سه هزار نمونه، از نویسندگان عبری، سریانی، عربی، فارسی، یونانی، لاتین، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی سفلا و علیا گردآوری شده ... گئورگ فیلیپ هارس دورفر، نورنبرگ، ۱۶۵۵.

2. Kluger Hofmann, Eustache de Refuge, Frankfurt und Hamburg, 1655.

3. Persianischer Rosenthal, A3r.

«باید خورد تا زنده ماند، نه زیست تا بتوان خورد»
«پشه‌های بسیار می‌توانند فیلی را از پای درآورند»
«طلای گران بها از فضیلت اخلاقی سنگین تر نیست»
«درختان و کودکان را تنها در جوانی می‌توان شکل داد»
«کوری خفاش را نباید به حساب خورشید گذاشت»
«سیلی‌ای از دست یک زیبارو دلپذیرتر است از نانی از دست بیگانه»
«لذت‌های دنیوی همچون سنگ‌های آسیاب، انسان را خرد می‌کنند»
«ده راهب می‌توانند زیر یک لحاف در صلح بخوابند، اما دو پادشاه نمی‌توانند در یک کشور حکومت کنند»^۱

گلستان همچنین بر ژانر آیین‌کشورداری و پادشاهی^۲ تأثیر گذاشت، که گونه‌ای از کتاب‌های تعلیمی برای آموزش حکمرانی به پادشاهان بود. حکایات گلستان به بی‌احتیاطی پادشاهان، حسادت، تغییر خلق و خوی آنان و همچنین به دروغ، چاپلوسی و فریبکاری درباریان می‌پردازد. پیام اصلی چنین حکایاتی این است که باید از زندگی در دربار پرهیز کرد.

۷. نتیجه‌گیری

حکایات جهانی، امثال و مفاهیم فلسفی گلستان سعدی که از ایران قرن هفتم و سرزمین‌های هم‌جوار آن سرچشمه گرفته‌اند، نمونه‌ای شاخص از تحرک فرهنگی به شمار می‌روند: این آثار به اروپای اوایل دوران مدرن منتقل شدند و به‌طور مشتاقانه‌ای در بافت ادبی آن دوره ادغام یافتند. ترجمه‌های دوره، گنتیوس و اولتاریوس آثار سعدی را به مخاطبان اروپایی معرفی کردند و از او شاعری محبوب در دوران روشنگری ساختند. اثر هردر^۳ با عنوان گل‌هایی برگرفته از شاعران مشرق‌زمین^۴ شامل پندها و حکمت‌هایی از گلستان است، همچنین در اثر دیگر هردر اندیشه‌هایی درباره فلسفه تاریخ بشر (۱۷۸۴-۱۷۹۱)^۵ بیانات شاعر ایرانی در باب معنویت، نیز

1. . Persianischer Rosenthal , index.

باغ گل ایرانی ، مقدمه.

2. Mirror of Princes

3. Johann Gottfried Herder

4. Blumenlese aus morgenländischen Dichtern Johann Gottfried von Herder's sämtliche Werke, Johann Gottfried von Herder, von Verleger Cotta Erscheinungsort Tübingen, 1807.

5. Ideen zur Philosophie der Geschichte der Menschheit(1784-1791),

تأثیرگذار بوده‌اند. لافونتن^۱ از کتاب گلستان برای نگارش تمثیل‌های خود بهره‌گرفت و دیدرو و ولتر نیز مشتاقانه با آثار سعدی برخورد کرده‌اند و آن را در راستای اومانیسم جدید و فلسفه دین مورد توجه قرار داده‌اند.^۲

در «یادداشت‌ها و توضیحات برای درک بهتر دیوان غربی-شرقی، گوته از «راستی‌گرایی» اولتاریوس ستایش می‌کند:

«او گزارش‌هایی بسیار دلپذیر و آموزنده‌ای از سفرهای خود ارائه می‌دهد که ارزشی دوجندان دارند، زیرا تنها چند سال پس از دلاواله و اندکی پس از مرگ شاه عباس بزرگ به ایران آمد و در بازگشت، آلمانی‌ها را از طریق ترجمه‌ای نیرومند و دل‌انگیز با سعدی فرزانه آشنا ساخت. با اکراه سخن را قطع می‌کنیم، چراکه دوست می‌داشتیم از این مرد نیز به درستی برای آنچه از او آموخته‌ایم، سپاسگزاری کنیم».^۳

همراه با شعر حافظ، آثار سعدی - که به لطف تلاش‌هایی چون اولتاریوس و حق‌وردی راه خود را به آلمان دوران روشنگری گشودند - نقشی اساسی در شکل‌گیری دیوان غربی-شرقی داشتند. گوته از مفاهیم ادبیات فارسی برای فراتر رفتن از مرزهای سیاسی و فرهنگی بهره‌برد و در پی آن بود تا ادبیات جهانی^۴ را بنیان نهد.

۲۱۲

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

1. La Fontaine

2. See for example : Essai sur les mœurs , Voltaire, (1756).

ر.ک. برای مثال رجوع کنید به: رساله‌ای در باب اخلاق و سرشت ملل، ولتر، ۱۷۵۶

3. Goethes Werke. Hamburger Ausgabe in 14 Bänden. Hrsg. von Erich Trunz. München 1988, p. 243. See also Tafazoli (fn. 36), pp. 438-439.

یوهان ولفگانگ فون گوته: یادداشت‌ها و رسالاتی برای درک بهتر «دیوان غربی-شرقی». در: آثار گوته. ویراست هامبورگ در ۱۴ جلد، به‌کوشش اریش تروننتس، مونیخ، ۱۹۸۸، صفحه ۲۴۳. همچنین ر.ک. به تفضلی (پاورقی شماره ۴۸)، صفحات ۴۳۸-۴۳۹، برای بحثی ارزشمند درباره تأثیر ادبیات فارسی بر آثار ادبی گوته.

4. Weltliteratur